

اصولی برای حسابداری صحیح

گیرد، به طوری که مبانی اصل سازگاری و اصل احتیاط را منعکس سازد.

شناسایی و اندازه‌گیری آسیب وارده به وام، نمی‌تواند کلاً بر مبنای مقررات خاص صورت گیرد. ارزیابی، شناسایی و اندازه‌گیری واقعی درآمد، مستلزم ترکیبی از قضاوت‌های مدیریت و مقررات رسمی می‌باشد. قضاوت‌های مدیریت ضروری است، اما حیطة اختیار واقعی آنها می‌بایست احتیاطاً محدود شود و مدارک و مستندات می‌بایست وجود داشته باشند تا درک رویه‌های اجرایشده و قضاوت‌های صورت‌گرفته به وسیله مدیریت را امکان‌پذیر سازند، خصوصاً در موارد الزامی زیر:

۱) هر بانک ضروری است که یک سیستم صحیح برای مدیریت ریسک اعتباری را تعریف نماید. رویه‌ها و سیاست‌های کنترلی و مدیریت موثر ریسک، اساساً با حسابداری و ارزیابی صحیح و به‌موقع و ام‌ها مرتبط می‌باشند. برای ارزیابی احتیاطی وام‌ها و تعیین ذخیره مناسب به وسیله بانک‌ها، وجود یک سیستم - خواه خود بانک‌ها ایجاد کرده باشند و یا به وسیله ناظران طراحی شده باشد - به منظور طبقه‌بندی قابل‌اطمینان همه وام‌ها بر مبنای ریسک، بسیار ضروری و با اهمیت است.

یک سیستم طبقه‌بندی بر مبنای ریسک اعتباری، مشتمل است بر رده‌بندی وام‌ها که با توجه به درجات گوناگون تنزل کیفیت اعتباری صورت می‌گیرد، مانند وام‌های زیر استاندارد، وام‌های مشکوک‌الوصول و وام‌های لاوصول. یک سیستم طبقه‌بندی، نوعاً شرایط مالی جاری و توانایی بالقوه پرداخت قرض‌گیرنده، ارزش جاری و واقع‌بینانه وثیقه و دیگر عواملی را که بر وصول اصل و فرع وام تأثیر دارند، در نظر می‌گیرد.

فرایندهای ارزیابی و حسابداری می‌بایست به وسیله کنترل‌های موثر داخلی متناسب با اندازه، ماهیت و پیچیدگی فعالیت‌های قرض‌دهی بانک تکمیل شوند. هیات‌مدیره هم برای ایجاد و حفظ یک سیستم کنترل موثر داخلی به منظور اطمینان از انجام مواردی که در پی می‌آید، مسوولیت نهایی دارد و می‌بایست اطمینان حاصل شود که فعالیت‌های قرض‌دهی فوراً و بلادرنگ ثبت می‌گردند، مدارک و مستندات وام کامل می‌باشند، رویه‌های داخلی بانگری و بررسی وام‌ها کارا و موثر است و همچنین یک سیستم اطلاعات مدیریت مناسب موجود می‌باشد. مدیریت ریسک اعتباری هم مواردی فراتر از رویه‌های مناسب حسابداری را در بر می‌گیرد. لازم به یادآوری است که کمیته بال اصولی را برای مدیریت ریسک اعتباری به صورت بسیار تفصیلی در یک مقاله جداگانه ارائه نموده است^(۱).

۲) قضاوت‌های مدیریت در رابطه با شناسایی و اندازه‌گیری آسیب‌های وارده به وام‌ها، می‌بایست مطابق سیاست‌ها و رویه‌های مستند صورت

گزارش‌های مالی یک بانک می‌بایست یک تگرش منصفانه و حقیقی از وضعیت و عملکرد مالی بانک را ارائه نمایند.

رویه‌های

صحیح

افشا

و

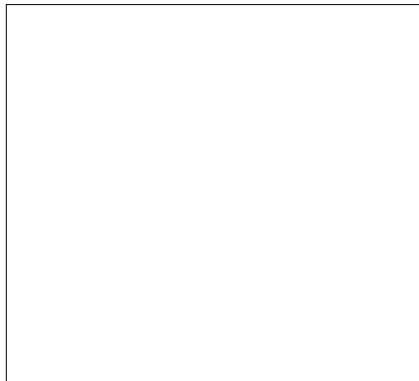
حسابداری

وام

بخش چهارم

اشاره

در بخش‌های قبلی یادآور شدیم که هدف کمیته بال از انتشار این مقاله، تسهیل عملیات نظارت موثر بانکی و نظم‌بخشیدن به بازار بانک‌ها و در عین‌حال، اعلام ضرورت بهبود استانداردهای مربوط به افشا و حسابداری فعالیت‌های وام‌دهی بانک‌هاست. تاکنون کلیات و مقدمات و سابقه و تاریخچه و شرح واژگان به کاررفته در این مقاله را خواننده‌اید. و اینک نوبت به شرح اصول حسابداری صحیح رسیده است. بانک و اقتصاد



۲) انتخاب و به‌کارگیری رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری، می‌بایست با مفاهیم اساسی حسابداری سازگاری و انطباق داشته باشد.

□ جایی که می‌بایست یک چارچوب تحلیلی مستند و تاییدشده برای ارزیابی کیفیت وام وجود داشته باشد، به طوری که به طور دایم به کار گرفته شوند.

شناسایی و اندازه‌گیری واقعی درآمد، مستلزم ترکیبی از قضاوت‌های مدیریت و مقررات رسمی است.

□ تخمین و برآوردهایی که می‌بایست بر مبنای مفروضات حمایتی و منطقی صورت گیرند.

□ مفروضاتی در رابطه با تأثیرپذیری قرض‌گیرنده از تغییرات وضعیت عمومی اقتصادی که می‌بایست واقعی و محافظه‌کارانه باشد.

ارزیابی می‌بایست به شیوه‌ای سیستماتیک و مطابق با رویه‌ها و سیاست‌های وضع‌شده، انجام گیرد. ۳) انتخاب و به‌کارگیری رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری، می‌بایست با مفاهیم اساسی حسابداری سازگاری و انطباق داشته باشد.

اصول صحیح حسابداری به منظور این که به

گزارش‌های مالی یک بانک می‌بایست یک نگرش منصفانه و حقیقی از وضعیت و عملکرد مالی بانک را ارائه نماید (نگرش مالی و حقیقی / ارائه منصفانه)^(۳). گزارش‌های مالی می‌بایست مشتمل بر افشاهای کافی باشند و به‌طور منطقی به تفصیل بیان شوند. همچنین می‌بایست فارغ از هرگونه تعصبات بی‌مورد باشند. بدون تردید، در جایی که به علت عدم انطباق کافی با استانداردهای کاربردی حسابداری، امکان ارائه یک رویکرد حقیقی و منصفانه وجود ندارد، افشاهای بیشتری می‌بایست صورت گیرد.

واقع‌گرایی ایجاب می‌کند که دارایی‌ها، حقوق صاحبان سهام و درآمدها بیش از حد بر آورد نشوند و بدهی‌ها و هزینه‌ها کمتر از حد بر آورد نگردند.



② هدف کمیته بال، تسهیل عملیات نظارت و نظم‌بخشیدن به بازار بانک‌هاست.

یک بانک می‌بایست سیاست‌های حسابداری خود را به شیوه‌ای انتخاب کند و به‌کار گیرد که اطلاعات حسابداری معتبر و قابل‌تکلیفی را در دسترس قرار دهند. اینگونه اطلاعات حسابداری، به‌ویژه از جهت زیر می‌بایست قابل‌اطمینان باشند:

- به‌طور دقیق و صحیح روشنگری نمایند، به طوری که این اطلاعات حاکی از روشنگری باشند یا به‌طور منطقی انتظار روشنگری از آنها وجود داشته باشد.

- ماهیت و واقعیت رخدادها و تعاملات اقتصادی را منعکس نمایند و نه صرفاً شکل حقوقی آنها را.
- قابل‌اثبات باشند.
- خنثا باشند. برای مثال، عاری از هرگونه تعصبات و اشتباهات اساسی باشند.
- محتاط و سنجیده باشند.
- از همه ابعاد کامل باشند.

یک بانک می‌بایست یک نگرش واقعی نسبت به فعالیت‌های تجاری‌اش داشته باشد و به اندازه کافی، عدم‌اطمینان و ریسک‌های ذاتی در فعالیت‌ها را با آماده‌سازی و ارائه اطلاعات حسابداری، تحت بررسی داشته باشد (احتیاط).

از نقطه‌نظر رویکرد صحت و سلامت بانکی، این نکته نیز مهم است که اصول حسابداری که به وسیله یک بانک مورد استفاده قرار می‌گیرد، معیارهای

این اصول در گزارش کمیته بال تحت‌عنوان "بهبود شفافیت بانکی" هم مورد بحث قرار گرفته‌اند. به‌طور معمول، این مفاهیم بدون توجه به این که اطلاعات حسابداری برای چه هدفی - خواه اهداف صورت‌های مالی، محاسبه الزامات نظارتی، محاسبه توانایی ایفای تعهدات و یا برای تعیین سودهای قابل‌توزیع - ارائه شده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

علاوه بر این، آنها هم برای حسابداری وام‌ها و هم برای دیگر موضوعات اقتصادی که به وسیله بانک‌ها صورت می‌گیرند، مورد استفاده واقع می‌شوند. بعضی از مفاهیم اساسی حسابداری که در حسابداری وام‌ها می‌بایست مورد استفاده قرار گیرد، در زیر مورد بحث قرار گرفته است.

وسيله مفاهيم اساسی حسابداری تحت‌نفوذ و کنترل قرار گیرد، نیازمند انتخاب و به‌کارگیری رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری می‌باشد. این مفاهیم کلی، به صورت راهنما و ارشادی در ادبیات حسابداری شکل گرفته‌اند و در بیانیه‌های مفاهیم حسابداری، به وسیله تدوین‌کنندگان اصلی استانداردهای حسابداری منتشر شده‌اند^(۲).

یک سیستم طبقه‌بندی، نوعاً شرایط مالی جاری و توانایی بالقوه پرداخت قرض‌گیرنده، ارزش جاری و واقع بینانه وثیقه و دیگر عواملی را که بر وصول اصل و فرع وام تأثیر دارند، در نظر می‌گیرد.

دوره‌ای که به وقوع می‌پیوندد، شناسایی شوند و درآمدها در زمانی که تحصیل می‌شوند. برای مثال، حق الزحمه و کارمزد دریافت‌شده به وسیله یک بانک در خصوص ارایه یک وام، عموماً نمی‌بایست در دوره‌ای که این فعالیت صورت می‌گیرد، به حساب درآمد گذاشته شود، بلکه در عوض، اگر آنها در اصل بخش لاینفک درآمد بهره یک وام محسوب می‌شوند، می‌بایست در طی دوره‌های عمر وام منتقل و تخصیص داده شوند. هزینه‌ها نیز می‌بایست با درآمدهای مربوط به خود تطابق داده شوند، به طوری که خالص درآمد به وسیله تفاوت بین درآمدها از هزینه‌های مربوطه در طی همان دوره اندازه‌گیری شود.

نهایتاً یک بانک می‌بایست سیاست‌های حسابداری را به شیوه‌ای انتخاب کند و به کار گیرد که جامعیت، مربوط بودن و به موقع بودن اطلاعات حسابداری را بهبود ببخشد. ■
ادامه دارد

زیرنویس‌ها

۱) اصول مدیریت ریسک اعتباری که به وسیله کمیته بال در جولای ۱۹۹۹ منتشر شد.

۲) برای مثال، اولین استاندارد بین‌المللی حسابداری (IASI) در خصوص ارایه صورت‌های مالی (بازنگری‌شده در سال ۱۹۹۷)، ضوابط کمیته استانداردهای بین‌المللی در مورد تهیه و ارایه صورت‌های مالی، بخش ۱۰۰۰ نظامنامه موسسه کانادایی حسابداران خبره (CICA) در خصوص مفاهیم صورت‌های مالی، پیش‌نویس بیانیه هیات استانداردهای حسابداری انگلستان در مورد اصول گزارش‌دهی مالی، استانداردهای شماره ۲ و ۵ مفاهیم حسابداری مالی توسط هیات استانداردهای حسابداری (FASB) و ذخایر قطعی در رهنمودهای حسابداری اتحادیه اروپا.

۳) گزارش‌های نظارتی نیز می‌بایست تابع این اصول باشند. به هر حال، با توجه به این که گزارش‌های نظارتی نسبت به صورت‌های مالی حسابرسی‌شده کاملاً به موقع و دارای تکرار بیشتری می‌باشند، ناظران ممکن است به بانک‌ها اجازه دهند تا در تهیه اطلاعات حسابداری این گزارش‌ها، از تخمین‌های بیشتری استفاده کنند.

حسابداری یکسان و همچنین از رویه‌ها و مفاهیم اندازه‌گیری باثباتی برای اقلام مرتبط استفاده نماید (ثبات رویه). بنابراین، تغییرات به جز مواردی که به طور مناسب و منطقی توجیه‌پذیر باشند، نیابستی صورت بپذیرند. برای مثال، نباید علت بازنگری در استانداردهای حسابداری به وسیله یک تدوین‌کننده ماهر و کارا، رویه‌ها و سیاست‌ها را تغییر داد. البته الزام ثبات رویه از تجدید طبقه‌بندی اقلام، مثلاً به دلیل ایجاد تغییر در استفاده آنها، جلوگیری به عمل نمی‌آورد.



② یک بانک می‌بایست سیاست‌های حسابداری خود را به شیوه‌ای انتخاب کند و به کار گیرد که اطلاعات حسابداری معتبر و قابل‌انکابی را در دسترس قرار دهند.

یک بانک می‌بایست رویدادها و فعالیت‌های مالی را در زمانی که رخ می‌دهند، شناسایی نماید و نه این که شناسایی آنها منوط به دریافت و یا پرداخت به صورت نقدی و یا معادل آن باشد و همچنین این رویدادها و فعالیت‌های مالی می‌بایست در دوره‌ای که به آن متعلق می‌باشند، ثبت و گزارش شوند (رویه حسابداری تعهدی). هزینه‌ها نیز می‌بایست در

اختیاطی و محافظه‌کاری را رعایت نماید. علاوه بر این، برای همه هزینه‌ها و زیان‌های احتمالی که می‌توان به طور منطقی و برپایه اطلاعات در دسترس آنها را برآورد نمود، می‌بایست اندوخته و ذخیره در نظر گرفته شود.

برآوردهای انجام‌شده هم می‌بایست درجه‌ای منطقی از احتیاط را دربرداشته باشند، به طوری که دارایی‌ها، حقوق صاحبان سهام و درآمدها بیش از حد برآورد نشوند و بدهی‌ها و هزینه‌ها کمتر از حد برآورد نگردند. اگرچه قضاوت‌ها می‌بایست هم محتاطانه و

همه محافظه‌کارانه باشند، اما این موضوع، برآوردهای کمتر از واقعی را که عمداً در خصوص دارایی‌ها، حقوق صاحبان سهام و درآمدها صورت می‌گیرد و یا آن دسته از برآوردهای بیش از واقعی را که عمداً در مورد بدهی‌ها یا هزینه‌ها انجام می‌شود، شامل نمی‌شود. برای مثال، گزارش‌های مکرر مقادیری که انتهای دو سر یک طیف (کمترین یا بیشترین یک طیف) هستند. وقتی که این مقادیر بهترین برآوردهای درون طیف را منعکس نمی‌کنند، از این قبیل مسایل هستند. ایجاد اندوخته‌های پنهان (افشانشده) از طریق کمتر از واقع ارزیابی کردن دارایی‌ها یا بیش از واقع نشان دادن بدهی‌ها، قابل توجیه نمی‌باشد.

گزارش‌های مالی بانک می‌بایست هر یک از اقلام مهم را به صورت جداگانه ارایه و افشا نمایند (اهمیت).

در این رابطه، اطلاعاتی مهم است که حذف یا بیان غلط آنها می‌تواند بر قضاوت یا تصمیمات

استفاده‌کننده از این اطلاعات تاثیر بگذارد. مهم بودن به خودی خود، بدون توجه به ماهیت یک قلم (رقم) و شرایطی که در قضاوت ایجاد خواهد کرد، عموماً یک مبنای کافی برای قضاوت در خصوص اهمیت نخواهد بود.

علاوه بر این، یک بانک می‌بایست از یک دوره تا دوره‌ای دیگر، از رویه‌ها و سیاست‌های